

نگاه بیرون

هاشمی و مشایی یا هاشمی و جلیلی



ترجمه: نسرین رضایی

● تقریباً بیش از ۷۰۰ نفر از مردم ایران با امیدواری برای انتخابات ریاست‌جمهوری ثبت‌نام کردند. با این حال آخرین دقیق ثبت‌نام و حضور اکبر هاشمی‌رفسنجانی و اسفندیار رحیم‌مشایی همه چیز را تغییر داد، حتی بحث نام‌نویسی سعید جلیلی، مذاکره‌کننده‌ارشدهسته‌ای ایران هم کم‌رنگ جلوه کرد؛ بحثی که در واقعیت کم‌رنگ نبود. احمدی‌نژاد تمام انرژی خود را روی اسفندیار رحیم‌مشایی متمرکز کرده است. محمدعلی شعبانی، پژوهشگر دانشگاه لندن، می‌گوید: «ثبت‌نام رفسنجانی حرکتی که خارق‌العاده بود. خارق‌العاده نه به خاطر اعلام کاندیداتوری رفسنجانی، بلکه به دلیل تغییر کلی بازی و تاثیر شگرف حضور او.» وحدتی که به عقیده اصلاح‌طلبان، برمی‌گردد به کارنامه‌ای که پیش‌تر هاشمی‌رفسنجانی در سال‌های اخیر برای خود بر جای گذاشته‌است، شعبانی می‌گوید: «هاشمی‌رفسنجانی که حالا ۷۸ سال هم سن دارد، به نظر می‌رسید که علاقه چندان زیادی برای حضور در عرصه رقابت نداشته باشد اما بنا به شرایطی وارد این عرصه شد.» شعبانی می‌افزاید: «رفسنجانی بیشتر دوست داشت تا به عنوان «دولت‌ساز» عمل کند تا خود در عرصه اجرایی حاضر باشد. با این حال، هاشمی علاوه بر اصلاح‌طلبان حتی می‌تواند روی آرای بخشی از اقل‌ساز محافظه‌کار ایران نیز حساب باز کند.» اما از دیگر سو اصولگرایان تمایل چندانی به حضور مرد احمدی‌نژاد در عرصه رقابت ندارند؛ و شاید برخلاف آنچه‌که در روز آخر ثبت‌نام نامزدها پررنگ جلوه کرد تصویر هاشمی‌رفسنجانی و اسفندیار رحیم‌شایی، تصویر پررنگ انتخابات امسال ایران نباشد. چهره‌های برتر شاید سعید جلیلی، مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای و اکبر هاشمی‌رفسنجانی کاندیدای اصلاح‌طلبان باشند. شمار زیادی از مردان سیاسی ایران محمود احمدی‌نژاد را به خاطر قرار دادن کشور در وضعیت مواجهه با تحریم‌های بین‌المللی مورد سرزنش قرار می‌دهند. محمد غرضی، وزیر سابق مخابرات ایران حتی بدون اشاره به بحث تحریم‌ها در دوره احمدی‌نژاد می‌گوید: «دولت قبلی تلاش خود را به بهترین وجه انجام داد. اما نرخ هم‌چنان بالا است و ما با مشکل رویه‌رو هستیم. دولت نباید بیش‌تر از آنچه به دست می‌آورد، خرج کند.» باید منتظر نتیجه تأیید صلاحیت شورای نگهبان نشست. اما آنچه مشهود است، این است که عصر احمدی‌نژاد و حتی یارانش به پایان نزدیک است.

برای «جبهه»‌ای که قرار بود پایدار بماند، این تزلزل‌ها چندان خوشایند نیست. آن هم در عمر کوتاه دوساله نخستین شبهه‌انثعاب آنها چندماه پیش رخ داد و حالا هم در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری اگر چه اعلام شده است که کامران باقری‌لنکرانی گزینه نهایی جبهه پایداری است اما نمی‌توان کتمان کرد که همچنان بخشی از اعضای این جبهه هوادار سعید جلیلی‌اند. شاید با پایان یافتن دولت دهم عمر جبهه‌ای هم که مبنای گفتمانی‌اش را حماسه «سوم تیر» قرار داده بود به پایان خود نزدیک می‌شود.

دو آیت‌الله

در آستانه انتخابات مجلس نهم اصولگرایان به دنبال اتحاد بودند تا جایی که اسفند ۹۰ آیت‌الله مهدوی‌کنی رییس مجلس خبرگان را بیان اینکه «چند روز تا انتخابات باقی مانده و بهتر است مؤمنین دور هم جمع شوند»، گفت: «اختلاف سلیقه در مقام تصمیم‌گیری در مجلس خوب است اما اگر اصولگرایان بخواهند در آستانه انتخابات اختلاف داشته باشند، مردم انقلابی دچار تزلزل می‌شوند.» حرف‌های مهدوی‌کنی به جمعی از اصولگرایان نزدیک به دولت بازمی‌گشت که ارادت ویزی‌ای به آیت‌الله مصباح دارند. مهدوی‌کنی از وحدت سخن می‌گفت در حالی که آیت‌الله مصباح بارها وحتی بنیت اصولگرایان را غیرممکن خوانده بود. همان زمان مهدوی‌کنی گفت: «در مشهد بودم که یک نوجوانی از من پرسید شما جبهه پایداری را قبول دارید یا نه، گفتم بله قبول دارم. آن جوان از من پرسید پس چرا وحدت نمی‌کنید؟ من هم پاسخ دادم چون آنها ما را قبول ندارند.» مهدوی‌کنی همچنین گفته بود: «جبهه پایداری چون نمی‌خواست نام برخی در فهرست باشد، وارد وحدت اصولگرایان نشد.» همان زمان آیت‌الله مهدوی‌کنی و آیت‌الله یزدی همه را دعوت به رای دادن به فهرست جبهه متحد اصولگرایان کردند، اما سایت اصلی جبهه پایداری به این بیابیه واکنش نشان داد و از آزادی و عدم احتیاج مردم به قیم در انتخابات و عدم رای دادن کور کورانه و الزام به فهرست‌ها سخن گفت.

پایداری‌ها و سهم‌خواهی از اصولگرایان

جمعی از حامیان احمدی‌نژاد تابستان ۹۰ دور هم جمع شدند و تشکلی با عنوان «جبهه پایداری انقلاب اسلامی» تشکیل دادند، تعددی هم داشتند که «ما حزب نیستیم.» آنها را «خارج‌ای دولت» هم می‌نامند چرا که اعضای اصلی‌اش را دولتمردان کنار گذاشته‌شده مانند غلامحسین الهام، صادق محصولی، مسعود میرکاظمی، کامران باقری‌لنکرانی و مهرداد بذریاش تشکیل می‌دادند. «کامران لنکرانی» عضو و نامزد این جبهه در انتخابات آتی در این خصوص گفته است: «جبهه پایداری تشکیلش با راهنمایی حضرت آیت‌الله مصباح و مرحوم حضرت آیت‌الله خوشوقت بود و تأکید این دو بزرگوار برای این بود که ما در این زمان جدید و با اقتضائات فعلی، یک حرکت اجتماعی داشته باشیم.» اصرار آنها برای تشکیل این جبهه مرزکشی با دیگر اصولگرایان و به‌ویژه جبهه متحد اصولگرایی بود، پایداری‌ها معتقد بودند اصولگرای واقعی آنها هستند، چرا

سیاست



عبدالله شمس

تزلزل «پایداری»

مهسا جزینی

که سایر اصولگرایان به تعبیر لنکرانی رفتار حزبی معقول – با تعریف عقل منفعت‌طلب – داشتند: «یعنی می‌دیدند که کجا، چه کسی بیشترین احتمال رای‌آوری را دارد و به سراغ همان بروند و بگویند کاندیدای ما شما هستید. حالا بیا باهم معامله بکنیم.» پایداری‌ها اگر چه از اصولگرایی ناب سخن می‌گفتند و اینکه اهل معامله نیستند اما واقعیت حکایت دیگری داشت که خود را در نامه معروف آقاتهرانی، عضو این جبهه به مهدوی‌کنی نشان داد؛ نوشته‌ای که بعدها به نامه سهم‌خواهی مشهور شد. او در این نامه خواستار این بود که تعدادی از اعضای جبهه پایداری در شورای دآوری و فهرست نهایی جبهه متحد حضور پیدا کنند. بعدها آقاتهرانی از افشاشی این نامه اظهار تازضایتی کرد و گفت: «من به اعضای جبهه متحد اصولگرایان هم پیامم دادم اگر قرار باشد نامه‌ها منتشر شود ما هم نامه‌های زیادی در دست داریم.» او در نامه خود خواسته بود که حداقل ۵۰ درصد شورای اجرایی جبهه متحد اصولگرایی یعنی چهار نفر از هشت نفر به جبهه پایداری تعلق گیرد، بعد هم پیشنهاد داده بود که حداقل سه نفر یعنی مهندس صادق محصولی، دکتر کامران باقری‌لنکرانی و دکتر اصغر زارعی در این فهرست قرار گیرند.

نخستین شکاف

نخستین شکاف هنگامی نمودار شد که پایداری‌ها نتوانستند بر سر رسیدن به یک نامزد واحد با دولتیان به توافق برسند. بخشی از بدنه این جبهه که بیشترین نقد‌ها را بر دولت و حلقه نزدیک به احمدی‌نژاد داشتند به تمسک از رهبر معنوی خود مصباح‌یزدی که حالا از منتقدان سرسخت احمدی‌نژاد و مشایی است حاضر به ائتلاف با دولتی‌ها نشدند چرا که این حمایت نیازمند تأیید مشایی و امری نشدنی بود. همانجا گفته

آن گفته بود: برخی از اعضای جبهه پایداری که این نامه را امضا کردند، خلاف تشکیلات عمل کرده‌اند و این امضا تنها نظر شخصی‌شان بوده است.

پایداری و تناقض ذاتی

جبهه‌ای که با گفتمان سوم تیر و حمایت از دولت شکل گرفت، در عین حال خود را در تقابل جدی با بخشی تناقض اصلی جبهه پایداری بود؛ تناقضی که در شکاف‌ها و تزلزل‌های این جبهه کم‌کم خود را نشان داد. تناقض آنجا رخ می‌نماید که نماد اصلی گفتمان مورد ادعا یعنی رییس دولت به هیچ عنوان حاضر به تفکیک خود از مشایی نبود. حالا سوال اینجاست که پس پایداری‌ها مدافع گفتمان «چه» و «که» هستند، درواقع پایداری‌ها هیچ‌وقت نتوانستند در تعیین مرز خود با دولتی‌ها به یک اصل مشخص برسند. اعضای پایداری در مسیر نزدیکی و دوری به دولت مدام در رفت‌وبرگشت بودند. با این وصف طبیعی بود که دچار انشعاب شوند و اعضایش در مسیر فهم چرایی شکل‌گیری این جبهه و اهدافش دچار سردرگمی شوند و در نهایت دو مسیر را پیش‌روی خود ببینند. این مجبور به انصراف شوند یا تکلیف خود را یکسره کرده و به دولت نزدیک شوند. جبهه پایداری حالا به کامران لنکرانی رسیده‌است. آنها نه با نامزد دولت همراه شدند و نه قابل به حمایت از دیگر نامزدهای اصولگرا هستند. لنکرانی نامزدی است که به شدت از سوی آیت‌الله مصباح هم حمایت می‌شود.

مصباح درباره او می‌گوید: «بینی‌وین‌الله شهادت می‌دهم که روی زمین و زیر این آسمان کسی اصالح از آقای لنکرانی نمی‌شناسم.» این در حالی است که اخیراً شاخه اصفهان این جبهه حمایت خود را از سعید جلیلی اعلام کرده است. اگرچه جبهه پایداری بعداً اعلام کرد که شاخه‌ای در اصفهان ندارد. اما «سیدعلی محمدبزرگواری» عضو شاخص جبهه پایداری هم پیش‌تر جلیلی را گزینه مطلوب این جبهه خوانده بود. «قاسم روانبخش»، عضو شورای مرکزی جبهه پایداری ارای لنکرانی را بیشتر از دیگران عنوان کرده و گفته است با ثبت‌نام جلیلی اتفاق خاصی در جبهه پایداری نمی‌افتد و کاندیدای نخست این جبهه لنکرانی است. حالا که سعید جلیلی به عنوان گزینه محتمل اصولگرایان مطرح شده است و حداد عادل هم اعلام کرده ممکن است همه نامزدهای اصولگرا به نفع جلیلی کنار بکشند، باید منتظر ماند و دید که آیا جبهه پایداری تا انتها همچنان بر طبل جدایی خود می‌کوبد یا بالاخره با اصولگرایان همراه می‌شود، شاید جبهه پایداری دوباره مجبور به انشعاب شود و بخشی از لنکرانی و بخشی هم از سعید جلیلی حمایت کنند. حتی اگر «محمد سلیمانی»، عضو شاخص آن و وزیر پیشین احمدی‌نژاد گفته باشد که «آقای حداد همه اصولگراها نیست. پایداری کاندیدای مورد حمایت خود را انتخاب کرده و آن باقری‌لنکرانی است.»

الو شرق ۸۸۹۸۶۸۳۸

sharghline@sharghdaily.ir

پیامک: ۰۰۰۴۶۹۹۰

● **کاغذ و انتخابات:** روزنامه‌های مستقل هر روز از گرانی کاغذ که به شکل ثانیه‌ای در حال افزایش است گلایه دارند. حال می‌خواهم بدانم نامزدهای اصولگرایی در این انتخابات چه میزان کاغذ خرج پوسترهای رنگی و گرافیکمت خود می‌کنند؟ یک شهروند

● **تاکسیرانی کجاست؟** شرکت تاکسیرانی تهران که شرکت زیر مجموعه شهرداری است، به‌جای پرداختن به امور غیرضروری بر کرایه تاکسی‌ها که به شکل من‌درآوردی از سوی راننده‌ها تعیین می‌شود نظارت کنند. چرا ناگهان ۴۰ درصد نرخ کرایه‌ها افزایش یافته است؟

یک مخاطب

● **اصلاح یک پیام:** پیرو درج پیام اینجانب در ستون «الو شرق» مورخ ۲۵ اردیبهشت‌ماه با عنوان «گلایه یک قاضی بازنشسته» منظور من این بود که می‌ادا با شرایط موجود ناگزیر شوم با ماشین خود کار کنم. که شما نوشته بودید من با ماشینم کار می‌کنم. ضمناً من به دلیل اینکه مانند بسیاری از کارکنان قوه‌قضاییه سالم‌زندگی کردم هرگز نخواستم از امکان درآمدهای دیگر استفاده کنم.

یک شهروند

● **چرا نوبرانه‌ها ارزان نمی‌شود:** معمولاً ما کارمندان عادت به خرید میوه‌های نوبرانه نداشتیم، دلیل آن هم معلوم است. توت‌فرنگی کیلویی ۱۳ هزار تومان و گوجه‌سبز کیلویی ۱۰ هزار تومان با فیش حقوقی ما هیچ سببختی ندارد اما در گذشته این میوه‌ها بعد از یک ماه به نرخ قابل‌قبولی می‌رسیدند. چرا در حال حاضر نرخ نوبرانه و یک‌ماهه و دوماهه آنها یکی است؟ یک شهروند

● قبلاً مردم با خرید خانه تحولی در زندگی‌شان پیدا می‌شد و باعث می‌شد به زندگی امیدوار شوند ولی در حال حاضر آنقدر خانه گران شده که اصلاً نمی‌شود به خرید فکر کرد. این‌طور آدم‌ها امیدشون رو از دست می‌دهند.

● امسال از طرف دولت به هیچ‌کدام از هنرمندان انیمیشن عیدی داده نشده است و علت آن را کسی نمی‌داند. بیمه‌های تأمین اجتماعی برخی از هنرمندان بیش از سه سال است که در نوبت قرار دارد ولی هنوز هم خبری از آن نیست و اقدامی صورت نمی‌گیرد.

LEON

Since 1960

خاص بودن رویا نیست.

رزرو کنید.

فرشته، سام سنتر

۲۲ ۶۵ ۳۸ ۴۱

www.leon1960.com